

تحلیل

عمر و موسی

حاشیه نشین یا رهبر آینده مصر

■ عمر و موسی که به وی به عنوان یکی از رهبران احتمالی آینده مصر نگریسته می‌شود، ۷۴ سال سن و تجارب دیپلماتیک فراوانی دارد، اما ناظران معتقدند که بعید است جنبش جوان مصر از وی استقبال کرده‌وا و راه عنوان رئیس‌جمهور آینده برگزینند.

روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی که ایسنان را منتشر کرده در این رابطه آورده است: «عمر و موسی، یک دیپلمات با سابقه است که به دلیل اظهار نظر های صریحش مشهور است و حتی زمانی قهرمان یکی از ترانه‌های مردمی بود. او یک عضو سابق رژیم حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مستعفی مصر بود اما مقام‌های نظامی که مصر را اداره می‌کنند از عمر و موسی خوششان نمی‌آید.او مردی پایه‌سن گذاشته‌است که می‌خواهد جوانان مصری را به پذیرش خود متقاعد کند. عمر و موسی ۷۴ساله بعد است انتخاب اصلی جنبش جوان مصر باشد. برخی ناظران معتقدند که عمر و موسی در مورد لزوم اصلاحات سیاسی و اقتصادی تحت دوران حکومت حسنی مبارک سکوت اختیار کرد اما خیلی‌ها نیز از عمر و موسی به عنوان یک کاندیدای مهم برای احراز سمت ریاست‌جمهوری آینده مصر یاد می‌کنند. عزالدین شکر ی فیشر، دیپلمات مصری که به عمر و موسی نزدیک است، تصریح کرد: بسیاری از مصری‌ها از عمر و موسی به عنوان یک کاندیدای برجسته و مهم یاد می‌کنند و بر او اتفاق نظر دارند. حتی آنهایی که دلخوشی از عمر و موسی ندارند، از او به عنوان گزینه بد در برابر گزینه‌های بدتر نام می‌برند. عمر و موسی پیش از آنکه در سال ۱۹۹۱ به عنوان وزیر خارجه مصر معرفی شود، دیپلمات این کشور در هند و سازمان ملل بود و به عنوان وزیر خارجه نقش پر نفوذی را در ابتکار عمل صلح اعراب با اسرائیل در سال ۲۰۰۲ و اوضاع عراق پس از سرنگونی رژیم صدام، دیکتاتور سابق عراق ایفا کرد اما اظهار نظرهای اندکی در مورد شرایط داخلی مصر داشت. عمر و موسی اخیرا به دنبال کناره‌گیری حسنی مبارک از قدرت گفت که قصد دارد از سمت دبیر کلی اتحادیه عرب کناره‌گیری کند و خیلی‌ها معتقدند وی می‌خواهد رقابت‌های انتخاباتی اش را برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست‌جمهوری مصر آغاز کند. افرادی که عمر و موسی را می‌شناسند، می‌گویند که او یک



فرد پوپولیست و دنباله‌رو سیاست‌های جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور اسبق مصر است. محبوبیت عمر و موسی به در مواقع اسرائیلی‌ها در مورد فلسطینی‌ها مربوط می‌شود. این مواضع عمر و موسی باعث شد تا بر اساس اعلام هفته‌نامه تایمز در سال ۲۰۰۱ ترانه‌ای مردمی منتشر شود که در آن گفته شد: «من از اسرائیل نفرت دارم، اما عمر و موسی را دوست دارم».

به رغم تردیدها در مورد توانایی عمر و موسی برای اداره مصر، برخی ناظران نیز از وی به‌عنوان یک شخصیت زیرک و کارزماتیک یاد می‌کنند. عبدالمنیم سید، مدیر بانفوذ مرکز مطالعات سیاسی و استراتژیک الاهرام می‌گوید: عمر و موسی دوست من است، اما به او رای نخواهم داد چون وابستگی از رژیم حسنی مبارک ۱۰ سال اخیر بود و هرگز ندیدم‌ام در مورد اصلاحات سخنی به میان بیاورد. در مورد زمان حرفی می‌زنم که نسل جدیدی به روی کار آمده‌است.

خالد فهمی، رییس‌دژ تمان تاریخ دانشگاه آمریکایی قاهره می‌گوید: سن عمر و موسی به ضرر اوست، فکر نمی‌کند او کاندیدایی شود که اکثر مردم از او حمایت کنند. او بسیار پیر است و در ذهن جوانان مصری کاندیدای ایده آل نیست. محبوبیت وی مربوط به یک دوران دیگر است. قوانین جدید انتخابات ریاست جمهوری هنوز تعیین نشده‌است. اگر چه رهبران نظامی مصر وعده برگزاری یک انتخابات دموکراتیک را داده‌اند. خیلی‌ها معتقدند که هنوز بسیار زود است بگوییم ارتش به مصری‌ها اجازه می‌دهد آزادانه رای دهند. ارتش مصر اعلام کرده که ظرف شش ماه قدرت را واگذار خواهد کرد و احتمال می‌رود همه پرسبی در مورد تغییرات در قانون انتخابات نیز ظرف دو ماه آینده برگزار شود.

موسسه سیاست نزدیک واشنگتن اخیرا در نظر سنجی در دو شهر مصر اعلام کرد که عمر و موسی از حمایت ۲۵درصدی، عمر سلیمان از حمایت ۱۷ درصدی، البرادعی از حمایت ۱۳ درصدی و ایمن نور نیز از حمایت یک درصدی برخوردار است. یک دیپلمات مصری نیز تصریح کرد: مقام‌های ارشد مصر از عمر و موسی به عنوان یک فرد غیر نظامی یاد می‌کنند بنابراین این فردی است که با نظامیان متواوت است. اگر چه عمر و موسی در مصاف اول جنبش سرنگونی رژیم حسنی مبارک قرار نداشت اما به نظر می‌رسد که نام او بیشترین ا البرادعی یا ایمن نور بر سر زبان مصری‌ها در این مقطع زمانی قرار دارد. ادوارد اس واکر، سفیر سابق آمریکا در مصر از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷ که کسی که همکاری نزدیکی با عمر و موسی داشته تصریح کرد: عمر و موسی یک پایگاه مستقل برای ایجاد احزاب است و مردم او را دوست دارند چون از وی به عنوان آلت دست آمریکا یاد نمی‌شود. اگر عمر و موسی، ایمن نور و البرادعی رئیس‌جمهور مصر نشوند، عمر سلیمان نیز از اقبال خوبی برای حضور در سمت ریاست‌جمهوری برخوردار نیست چون از او به عنوان یک فرد نزدیک به حسنی مبارک یاد می‌کنند. مدیر مرکز ال‌ا‌ا‌رام گفت: من به دنبال فردی هستم که در دنیای فعلی زندگی کند. از نکات مهم در صورت حضور احتمالی عمر و موسی در سمت ریاست‌جمهوری مصر، پایان صلح ۲۳ ساله میان مصر – اسرائیل خواهد بود.

گروه بین الملل – مرم مهدوی اصل: روز پنجشنبه ۱۲ اسفندماه، بخش نخست مطلب «تقابل دموکراسی و دیکتاتوری در قرن ۲۰» در صفحه جهان روزنامه شرق منتشر شد. امروز در بخش پایانی آن به مر حله تکوینی جنبش‌های آزادی خواهانه مردم اروپا که در نهایت منجر به شکل‌گیری نظام بین‌الملل پس از دو جنگ جهانی اول و دوم شد، می‌پردازیم. در حالی که از دوره شکل‌گیری جهان جنگ سرد بیش از نیم قرن می‌گذرد و نظام تک‌قطبی آمریکا نیز پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی موفق به شکل‌گیری نشده است، این فرضیه مطرح است که با شکل‌گیری جنبش‌های آزادی خواهانه مردم منطقه، شمال آفریقا و خاورمیانه و خلیج فارس، شکل‌گیری نظام بین‌الملل جدید در حال تکوین است. البته با این تفاوت که ماهیت این جنبش‌های آزادی خواهانه‌ای که ابتدا در آلمان ۱۸۲۰ آغاز شده است، بسیار متفاوت است.» از همین روی به مقایسه تطبیقی این دو جنبش آزادی خواهانه مردم اروپا ی گذشته و خاور میانه حاضر پرداخته‌ایم که تقدیم خوانندگان محترم می‌شود.

جهان پس از جنگ جهانی دوم

جهان در دهه ۱۹۳۰ به سه اردوگاه متضاد تقسیم شد که در نهایت کشورهای دموکراسی غربی و شوروی بر علیه جبهه متحد فاشیست یعنی آلمان و ایتالیا متحد شدند و چون جنگ با شکست کشورهای اخیر پایان پذیرفت، طبیعی بود که تضاد بین دموکراسی‌های غربی و شوروی افزایش یابد. علاوه بر آن تضاد منافع آمریکا به عنوان رهبر جهان سرمایه‌داری و شوروی به عنوان سردمدار اردوگاه سوسیالیست امری محتم بود و در نهایت این دو قدرت را روبرو روی یکدیگر قرار داد. حوادث کوچک و بزرگی که در سال‌های بعد از جنگ اتفاق افتاد شکاف این دو اردوگاه را مسجل تر نمود و سبب شد تا از سال ۱۹۴۷ به بعد جهان به دو جبهه متضاد و متخاصم شرق و غرب تقسیم شود. خط این تقسیم از وسط اروپا و از قلب آلمان می‌گذشت. پیمان‌ها و سازمان‌هایی که در درون هر یک از این دو اردوگاه به وجود آمد، سبب شد تا این تقسیم به صورتی نه‌پایه‌نبرد اید. روابط اقتصادی جهان غرب در قالب طرح مارشال و سپس اتحاد نظامی این اردوگاه در قالب ناتو، جهان متشکل و منسجم سرمایه‌داری را در مقابل کمون و پیمان ورشو در جهان شرق قرار می‌داد. کاهش تنش‌ج در اواسط دهه ۱۹۵۰ که بر اثر مرگ استالین و کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی و فروکش کردن جود کمونیستی در ایالات متحده به وجود آمد برای مدتی طولانی دوام نیاورد و منجر به بحران برلین ۶۱-۱۹۵۸ و بحران موشکی کوبا شد. از آن پس تحولات جهانی از یک طرف و غیرقابل انکار بودن نقش یک ابر قدرت به وسیله دیگری از طرف دیگر زمینه‌های همکاری را در قدرت را فراهم کرد.

جنگ سرد

جنگ سرد در همان حال که مشخص کننده یک دوره از تاریخ پس از جنگ جهانی دوم است، بیان‌حالتی بین خصومت و عدم خصومت نیز هست. جنگ سرد نه حالت صلح دارد و نه حالت یک جنگ کلاسیک. این جنگ قدرت‌هایی را درو روی یکدیگر قرار می‌دهد که با هم دارای روابط دیپلماتیک عادی بوده و بر سر یک میز مذاکره هم می‌نشینند. بر اساس تعاریف کلاسیک از جنگ، جنگ سرد مبین هر خود منافع حیاتی است ولی هرگز به یک برخورد نظامی نمی‌انجامد. جنگ سرد امری توان به نبردی اساسی بین منافع و اندیشه‌ها تعریف کرد که تا حد یک جنگ کلاسیک پیش نمی‌رود... عامل اصلی بروز چنین جنگی در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم سلاح اتمی بود که مانع بروز یک جنگ گرم می‌شد. ترس از یک جنگ اتمی که حتی در صورت پیروزی در آن خسارات وارده از منافع حاصله افزون خواهد بود سبب می‌شد تا هیچ یک از طرفین عاقلانه به درگیر شدن در چنین جنگی را نداشتند و باشند و در همان حال درگیر یک کشمکش بی‌امان و رقابت دایم برای کسب امتیازات بیشتر نیز باشند. از این‌رو نباید هیچگاه نقش سلاح اتمی را در بروز جنگ سرد را نظر دور داشت. حوادثی که وجود تضاد منافع و رقابت بین دو قدرت دنیای پس از جنگ را نمایان ساخت عبارت بود از: مساله تخلیه خاک ایران از قوای متفقین، جنگ داخلی یونان و فشار شوروی بر ترکیه برای کسب امتیازات بیشتر در تنگه‌های بسفر و داردانل و اختلاف بر سر چگونگی اداره آلمان.

ظهور جهان سوم در دوره دوم جنگ سرد

دومین دوره روابط شرق و غرب پس از جنگ جهانی دوم با پایان بحران کوبا شروع می‌شد. تشنج‌زدایی در این دوره در سال ۱۹۷۵ با صدور اعلامیه هلسینکی به اوج خود رسید. در عین حال محور شرق و غرب از این پس برای توضیح روابط بین‌الملل کفایت نمی‌کرد، زیرا در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تحولاتی صورت می‌پذیرد که عوامل و متغیرهای جدیدی را به معیارهای قبلی تجزیه و تحلیل مسایل بین‌المللی می‌افزاید. ظهور کشورهای جهان سوم به عنوان یک قدرت بالقوه در روابط بین‌الملل، حصول در جاتی از همکاری در اروپا یا بختری، بیدار شدن حس ملی در اروپای شرقی، نقش چین و ژاپن در مسایل بین‌المللی و رشد نیروهای فراملی و خصوصاً نیروهای ایدئولوژیک (گسترش حوزه نفوذ پاپ به دلیل توسعه ارتباط جمعی، اسلام و...) از جمله عواملی هستند که به دلیل خدشه‌ای که به محور مسکو – واشنگتن به عنوان تنها صاحب تحلیـل رویدادهای بین‌المللی وارد می‌سازد، حایز اهمیت اند.

فروپاشی نظام دو قطبی در ۱۹۹۰

دیوار برلین در ۹ نوامبر ۱۹۸۹ بر چیده شد و مذاکرات دو آلمان و شوروی و سپس مذاکرات موسوم به ۴+۲ یعنی دو آلمان و آمریکا، شوروی، فرانسه و انگلستان شروع شد و در نهایت وحدت دو آلمان در ۳۰ نوامبر ۱۹۹۰ عملی شد اما همزمان روند آزادسازی به درون امپراتوری شوروی نیز سرایت کرد. کشورهای روسیه سفید، اوکراین، کشورهای بالتیک و بالاخره کشورهای آسیای میانه و قفقاز و ماوراء ارس

جهان

مقایسه تطبیقی از جنبش‌های آزادی خواهانه – بخش پایانی

ماهیت قیام مردم خاورمیانه و شمال آفریقا



خسارات اقتصادی هنگفتی مواجه شد؛ نظام‌های امپراتوری دیکتاتوری و توتالیترار بسم بر چیده شدند و دموکراسی جایگزین برخی از آنها شد. البته با این استثناء که برخی از کشورها مانند آلمان و ایتالیا و شوروی پس از جنگ جهانی اول هر چند اندک با بنیان‌های نظام لیبرال آری زد، اما پس از آن با رشد فاشیسم در ایتالیا و موسولینی، نازیسیم در آلمان و هیتلری و کمونیست در شوروی استالینی مواجه شدند و نظام‌های دیکتاتوری به مراتب مخوف‌تر از دیکتاتوری‌های پیشین بودند که تبدیل به نظام‌های توتالیترار بسم شدند. انقلاب‌های آزادی‌خواهی مردم اروپا که ابتدا در سال ۱۸۲۰ در آلمان آغاز شد و سپس به سایر ملل اروپایی سرایت کرد، اما در سال ۲۰۱۱ و در مرحله انتقالی از نظام دو قطبی جنگ سرد به نظام جدید جهانی که هنوز ماهیت آن کاملاً مشخص نشده است، از تونس شروع شد و با محوریت مصر به سایر کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه عرب و خلیج فارس سرایت کرد. تونس، مصر، لیبی، اردن، یمن، بحرین، عربستان سعودی، عراق، عمان، الجزیره، کویت و همچنین مردم کشورهای خارج از منطقه یعنی روسیه، چین، کره شمالی از جمله کشورهایی هستند که نسبت به نظام‌های دیکتاتوری خود دست به اعتراض‌های آرامی که در برخی از آنها با خشونت دولت‌هایشان روبه‌رو می‌شوند، زدند. با این تفاوت که اگر «انقلاب صنعتی در قرن ۲۰ باعث شکل‌گیری رشد ارتباطات و پست، تلفن و تلگراف شد، و به شکل‌گیری بیگاری، فقر و غیره قیام کرده‌اند و به سرشروع یک کشور به پیشرفت ارتباطات که از آن تحت عنوان «انقلاب ارتباطات» نام برده می‌شود، باعث شد تا مردم با به کارگیری اینترنت، ایمیل، فیس‌بوک، گوگل و غیره به تنوع اعتراض‌های خود علیه دیکتاتورهای منطقه که بیشتر آنها دست‌نشانده‌های حکومت‌های غربی پس از جنگ جهانی دوم هستند و حکومت‌هایشان بر اثر کودتا و کشتار یا حمایت‌های غرب و

برخی به‌صورت موروثی انتقال یافته است، سرعت بیشتری بدهند. چنانچه طرف یک ماه این اعتراضات از تونس به مصر و سپس به‌عنوان یک الگوی جنبش مسالمت‌آمیز مردمی علیه دیکتاتورها به سایر کشورهای عرب منطقه سرایت کرد. فیس‌بوک به‌عنوان یک نرم‌افزار دیجیتال در قرن ۲۱ وسیله‌ای شد برای انتقال سریع و همه‌گیر پیام‌های اعتراضی مردم منطقه خاورمیانه علیه دیکتاتورهای وقت عرب. در حالی که روند شکل‌گیری و سرایت جنبش‌ها و انقلاب‌های مردمی در درون هر یک از این تشکلهای رقابت‌هایی وجود دارد که کشورهایی که در سطح بالاتر هستند، می‌خواهند به صورت هم‌زون عمل کنند. از طرف دیگر آمریکانیز خواهان یک جهان تک‌قطبی بود و تمام تلاش خود را به کار گرفت اما کم‌کم مشخص شد که یک جهان تک‌قطبی امکان‌پذیر نیست. یعنی این امر در توان آمریکا هم نیست. خود آمریکاهم به قلب‌های دیگری احتیاج دارد تا آن قطب‌ها بتوانند مناطق دیگری از جهان را کنترل کنند یا بخش‌هایی از مسایل و موضوع‌های بین‌المللی را در دست‌بگیرند تا اینکه آمریکا نیز بتواند بقیه جهان را کنترل کند. در جنگ جهانی دوم هم آمریکا از ورود شوروی به اروپای خوری استقبال کرد زیرا در این صورت بود که آمریکا هم می‌توانست بر اروپای باختری مسلط شود. ولی هنوز ما در حال گذار هستیم و آن مناطق صلح آمریکایی وجود دارد. به دلیل اینکه هیچ وقت جهان تک‌قطبی شکل نگرفت و تنها این «صلح آمریکایی» است که وجود دارد. به این معنا که همه رویدادهای بین‌المللی باید به نوبی با توافق آمریکا محل‌کل و فصل شوند و نظیر آمریکادر این رابطه بسیار مهم است. در گذشته نیز اینگونه الگوها در تاریخ جهان وجود داشته است؛ مثل «صلح بریتانیایی» در قرن ۱۹، یا پیش از آن «صلح اسپانیایی» و اکنون نیز «صلح آمریکایی» وجود دارد. در واقع آمریکایم خواست از توان و قدرت سازمان ملل ابزاری برای خودسازدگه نشد.

جنبش‌های مردمی خاورمیانه در ۲۰۱۱

زمانی که صاحب‌نظران بین‌المللی می‌خواستند به نمونه‌ای تاریخی از شکل‌گیری نظم جدید تحت عنوان بازی‌های منطقه‌ای یا ائتلاف‌های چندقطبی اشاره کنند، می‌گویند تنها نمونه تاریخی آن به زمان جنگ جهانی اول بازمی‌گردد. نگاهی به سیر تاریخی پیش از وقوع جنگ جهانی اول نشان می‌دهد که انقلاب‌های مردمی در اروپا برای رسیدن به آزادی، قانون، رف‌ع فقر و بیسکاری و غیره در چندین مرحله تکوینی شکل گرفته‌است تا در نهایت پس از دو جنگ جهانی که با کشتار میلیون‌ها انسان و زخمی شدن میلیون‌ها نفر و

شناخته‌شده آن برای مردم ایران، حکومت اسامرات متحده عربی است و ادعاهای واھی همیشگی اش در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی. اما نمونه‌های تاریخی دیگری که مردم ایران طعم تلخ آن را هشت سال چشیدند، کودتای صدام حسین در عراق و حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا از وی در حمله نظامی به ایران و سپس سقوط و به خفت کشاندن وی توسط خود آمریکایی‌هاست که با اعدام صدام برای همیشه پرورنده صدام حسین را مخومه کردند را از اهای نگفته هویدا نشود. هر چند که سربازان آمریکایی با شکلات به استقبال مردم غیرنظامی عراق رفتند، ولی از سال ۲۰۰۳ تاکنون نه تنها نتوانسته‌اند محبوبیتی را در این کشور به دست بیاورند، بلکه اعتراضات مردمی کشورهای منطقه به عراق پس از صدام حسین نیز کشیده شده است و حتی مناطق کردنشین عراق که برای نخستین بار در تاریخ خود به استقلال جلال طالبانی، رئیس‌جمهور کرد رفتند، از معترضین اصلی این جنبش‌ها هستند. کوتاه سخن اینکه از لحاظ روانشناختی، این کشورهای کوچک منطقه به تنهایی و چه به‌صورت مشترک نمی‌توانند بدون همراهی با کشور بزرگ دیگری در منطقه یا نظام بین‌المللی اثر گذار بوده و بازگر مطرح قلمداد شوند. شاید همین عامل شبیه‌سازی حکومت‌های دیکتاتوری دست‌نشانده غرب در منطقه باشد که جنبش‌های مردمی مشابه را در منطقه به وجود آورده و تمامی آنان بر پایه و مبنای یک خواسته‌اعمال قانون، آزادی بیان، حل معضلات اقتصادی، بیگاری، فقر و غیره قیام کرده‌اند و به سرشروع یک کشور به کشور دیگر سرایت کرده‌اند. این کشورهای کوچک منطقه همواره برای تأمین امنیت منطقه‌شان نیازمند قدرت‌های سیاسی – نظامی کشورهای بزرگ هستند. چنانچه اکنون نیز برای حفظ قانون قوت‌رشان در برابر مردم معترض نیازمند حمایت‌های غرب و ایفای نقش بین‌المللی آنها در منطقه هستند و به‌صورت پیدا و آشکار نگرانی‌شان را از به هم ریختن نظم منطقه‌ای عنوان می‌کنند. اگر چه انقلاب صنعتی در اروپا، اعتراضات کارگران علیه حکام دیکتاتور خود را در پی داشت ولی گویا انقلاب ارتباطات در خاورمیانه و خلیج فارس، اعتراضات سیاسی مردم منطقه نه تنها علیه حکام دیکتاتور خود را در پی دارد بلکه اعتراضات آنان نسبت به سیاست‌های اعمالی را به به‌خصوص آمریکا را نیز در پی داشته است که

نمونه واضح آن واکنش مردم معترض به کشتارهای قذافی بین‌الملل در قرن ۲۰ اروپا که به جای دموکراسی در برخی از کشورهای حکومت‌های توتالیتر، نازیسیم و فاشیسم به وجود آمد، می‌تواند دوباره در این برهه زمان در منطقه خاورمیانه تکرار شود. اما برخی بر این اعتقادند که دموکراسی خواهی مردم منطقه می‌تواند یک تحول عظیم منطقه‌ای را پس از فروپاشی دیکتاتورهای عرب به وجود آورد. هر دو نگاه در حال حاضر وجود دارد، اما کدام یک مسائلی این ایلالت متحده را شکل خواهد داد، باید منظر ماند و روند شکل‌گیری پیامدها را مشاهده کرد تا اعتراض‌های مردم و خواسته‌هایشان در مقابل دیکتاتورهای عرب به ثبات برسد. از لحاظ بین‌المللی نیز هر چند نظام جهانی دارد دوره انتقالی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را همچنان سپری می‌کند، اما ساختار نظامی این کشورها در حال گذار از نظام نیمه اول قرن ۲۰ تفاوت ساختاری بسیاری دارد. اثر گذاری گروه‌های فکر، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای سیاسی و اقتصادی نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های غیر دولتی، شورای امنیت، و به‌خصوص تأثیر رسانه‌های مکتوب و دیجیتالی شرایطی متفاوت از گذشته را به وجود آورده است. نمونه اخیر آن نیز افشای اسناد محرمانه درون سازمانی ایالات متحده آمریکا توسط سایت ویکی‌لیکس است که دستگاه دیپلماسی آمریکا در جهان را به چالش کشانده است. باید منظر ماند و دید که روند شکل‌گیری نظم جدید جهانی که ماهیت آن، نسبت به ماهیت انقلاب‌ها و جنبش‌های مردمی قرن ۱۹ و ۲۰ اروپا تغییر یافته است چه سرانجامی را از صلح گرفته تا جنگ و خشونت برای مردم قرن ۲۱ رقم خواهد زد.

منابع:

دکتر احمد نقیب‌زاده؛ تاریخ دیپلماسی

و روابط بین‌الملل- نشر قومس

دکتر زند شکبکی، مقاله سیر تاریخی امپراتوری غیرمستقیم آمریکا، روزنامه اعتماد، ۲۷ شهریور ۱۳۸۶

دکتر احمد نقیب‌زاده، مصاحبه با روزنامه اعتماد،

۵ شهریور ۱۳۸۶

تحلیل

تحلیلی بر شخصیت قذافی

■ روزنامه فرانسوی لوموند در تحلیلی سا عنوان «بالاخره می‌رود ستمگر پاریس!» قذافی را ستمگری خوانده که خون مردم لیبی را می‌مکد.

تحلیل این روزنامه نسبت به شخصیت قذافی را به گزارش مهربخوانید: هر انسانی با دیدن صحنه‌ها در لیبی چه می‌تواند بگوید؟ مردم لیبی تاکنون شبیه کسانی بودند که روی آتش راه می‌روند؛ آنها گرمای سوزان آتش را حس نمی‌کردند اما امروزه با اتفاقاتی که در مصر و تونس رخ داده، گویی آنان بیدار شده‌اند. زمانی که انسان در رسانه می‌خواند و می‌بیند که هر روز تعداد بیشتری از جوانان و دانشجویان ناپدید می‌شوند، برای سرنوشت آنها نگران می‌شود و در واقع انسانیت در لیبی خدشه‌دار شده است؛ جوان‌هایی که دسته دسته کشته می‌شوند و خانه‌هایشان خراب می‌شود؛ مسوول تمام این مسایل تنها و تنها معمر قذافی است که سال‌هاست در لیبی به دیکتاتور مایع عادت کرده است. این روزنامه فرانسوی زبان در بخش دیگری از مقاله خود به قلم «کمال بن حمدا» نویسنده لیبیایی می‌آورد: هزاران هزار مادر در لیبی هستند که قربانی دیکتاتوری قذافی شده‌اند. آنها حتی نتوانسته‌اند در آخرین لحظات با فرزندان خود خداحافظی کنند؛ فرزندان که خواسته‌ای نداشتند مگر آزادی از شرایط خفقانی که قذافی درست کرده است. این مادران حتی به اجساد فرزندان خود دست پیدا نکردند و در پاسخ تمام ضحجه‌هایشان هیچ پاسخی نگرفتند. آیا شما تاکنون ناله مادران آفریقایی از لیبی را تاسیرالئون را شنیده‌اید؟ در قاره آفریقا دیکتاتورهای زیادی تاکنون وجود داشته‌اند و همچنین بیشتر کشورها در این قاره قربانی استعمار شده‌اند و اینچنین است که مادران در این قاره همواره قربانی دیکتاتوری بوده‌اند و فرزندان خود را از دست داده‌اند و کسی صدای آنها را نشنیده است. لیبی امروز هم با وجود قذافی یکی دیگر از صحنه‌های ظلم به مادران آفریقایی است اما امروز لیبیایی‌ها می‌خواهند آزاد شوند و به هر قیمتی. امروز مادران جرات کرده‌اند فریاد بزنند و دادخواهی کنند. آنها می‌خواهند در عوض این سال‌های خفقان، امروز فریاد بزنند و پاسخ دریافت کنند و تنها پاسخی که در انتظار شنیدن آن هستند، رفتن ستمگری چون



قذافی است. لوموند در حالی که قذافی را شبحی می‌خواند که خون مردم لیبی را میکشد است، در ادامه آورده است: مردم لیبی باید یادند که همچون دیگر مردم جهان از حرمت و شایستگی بالایی برخوردار هستند و باید تلاش کنند جایگاهی را به دست آورند که لایق آن هستند و البته در این راه باید بقیعت بسیار گزافی پرداخته شود. به پیشنهاد روزنامه پرتیراژ فرانسوی، اگر تمام مردم جهان جهان دفاع از مردم لیبی به پاخنیزند و برای آزادی آنها و بیسرن راندن قذافی تلاش نکنند، فاصله‌ها از آنچه هست، بیشتر می‌شود و ممکن است قیام مردم لیبی به آن نتیجه‌ای که مطلوب است، ختم نشود. بنابراین باید از مردم تمام جهان بخواهیم برای همراهی با مردم لیبی تلاش‌های لازم را به عمل آورند تا قذافی نیز همچون دیگر ستمگران جهان به وادی نابودی رانده شود.

اوباما باید تاریخ را مرور کند

■ یک روزنامه آمریکایی در گزارشی با اشاره به هزینه جنگ افغانستان برای روسیه و انگلیس نوشت: باراک اوباما باید به تجارب کهنه سربازان احترام بگذارد تا بدین وسیله به درک بهتری در باره حوادث ناگوار نظامی در طول تاریخ دست یابد. روزنامه شیکاگو سان تایمز» در گزارشی درباره نکت مهم جنگ ویتنام و لزوم رعایت آن در جنگ افغانستان توسط دولت اوباما نوشت: تفنگداران دریایی جنگ ویتنام تجارب از زنده‌مندی دارند که باراک اوباما رئیس‌جمهوری آمریکا باید به آنها توجه کند. این روزنامه آمریکایی در ادامه به کتاب «بینگ وست» تحت عنوان «جنگ اشتباه» که به راهکارهای خروج از جنگ افغانستان پرداخته، اشاره می‌کند. در این کتاب از دولت آمریکا خواسته شد تا تابیشتر نظامیان را از جنگ افغانستان خارج کند و از صرف صدها میلیارد دلار در کشوری که تنها رویای تشکیل دولتی دموکرات است، دست بردارد. به گزارش مهر، روزنامه شیکاگو سان تایمز در ادامه این مطلب نوشت: دولت اوباما باید این کتاب را بخواند تا متوجه اشتباه خود در مورد سه برابر کردن شمار نظامیان به حدود ۹۷ هزار نفر در افغانستان شود. رئیس‌جمهوری آمریکا نیز باید این کتاب را بخواند تا به درک بهتری در باره حوادث ناگوار نظامی در طول تاریخ دست یابد، مهابطور که تاریخ نوسان متوجه آن شدند. این روزنامه آمریکایی در ادامه به هزینه‌هایی که کشورهای غربی در جنگ افغانستان متحمل شدند، اشاره می‌کند و می‌نویسد: انگلیس در سال‌های ۱۸۳۹ تا ۱۹۱۹ تا‌لانی کرد تا ناسه جنگ، افغانستان را مدیریت کند که با شکست مواجه شد و در این راستا تنها ۲۸ هزار انگلیس کشته شدند. روسیه نیز در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۸۰ با صرف هزینه‌های بسیار در جنگ افغانستان، در نهایت این کشور را هر کار و در این راستا تنها ۴۰ هزار نظامی کشته شدند. این روزنامه آمریکایی در ادامه تاکید می‌کند: با وجود آنکه در جنگ افغانستان تاکنون هزار و ۳۸۱ نفر از اعضای ارتش آمریکا کشته شدند و حدود ۴۵۵/۴ میلیارد دلار در این جنگ هزینه شد، بیشتر دولتمردان ایالات متحده به این موضوع توجه نمی‌کنند.